

## امام زاده طبس

درسه کیلومتری شمال غربی شهر طبس بقیه و بارگاه و گنبدی وجود دارد که در اصطلاح عموم به امام زاده موسوم است و کسی را که در آنجا مدفون است بنام سلطان حسین بن موسی الکاظم می‌شناسند و به همین نام نیز او را زیارت می‌کنند و امام زاده مزبور از زیارتگاههای مهم حوزه طبس بشمار می‌رود بطوری که علاوه بر مردم شهر که غالباً هر هفته روزهای جمعه آنجا بزیارت می‌روند در فصلهای مختلف زائرانی از فواصل نسبتاً دور نیز برای زیارت امام زاده و در کفیفش بدان روی می‌آورند و غالباً چند روز نیز قصد اقامت می‌کنند از ساکنان شهر نیز بسیارند کسانی که برای روشن کردن حاجات خود نذر می‌کنند که چهل روز متوالی هر روز به زیارت امام زاده بروند و بسیاری از اشخاص نیز مردگان خود در آن صحنین و رواقها و حجره‌های امام زاده دفن می‌کنند و هر روز جمعی بعنوان زیارت امام زاده و زیارت اهل قبور به آنجا می‌روند و با وجودی که محل امام زاده در خارج شهر است کمتر روزی است که خالی از زائر باشد. بنای امام زاده چنانچه بعداً خواهد آمد متعلق به اواخر قرن پنجم می‌باشد ولی قدرد مسلم این است که در طول این مدت بنای اولیه بريك قرار نمانده و هر چند سال يك بار تغییراتی در آن صورت گرفته است شاید این تغییرات و دیگر گونیها مولود نوع بنا و ساختمانهای طبس باشد که غالباً از خشت و گل بنا می‌شود و به همین علت شهر طبس نیز تاکنون چند نوبت تغییر محل داده است و چنانچه مشهور است زمانی همین امام زاده در مرکز شهر قرار داشته است ولی امروز در خارج شهر جای گرفته است ساختمان امام زاده در حال حاضر شامل قسمتهای زیر می‌باشد:

۱ - در قسمت شرقی امام زاده صحن کوچکی است که بنام بست مشهور است و تا چند سال پیش کسانی که مرتکب خطائی می‌شده‌اند برای فرار از مجازات خود رابه داخل بست می‌رسانده‌اند و تا وقتی که در بست و حرم متحصن بوده‌اند کسی مزاحم آنان نمی‌شده است ابعاد بست ۲۱ × ۱۵ متر می‌باشد در سمت مغرب آن به راهرویی می‌رسیم در يك طرف این راهرو آب انبار بزرگی است که گنجایش ۱۰۰۰ متر مکعب آب دارد و در سمت دیگر آن مقبره‌ای است که تاریخ و کتیبه‌ای ندارد.

۲ - پس از عبور از راهرو به صحن امام زاده می‌رسیم این صحن که با ابعاد ۲۱ × ۴۱ متر می‌باشد شامل حوض آب و درختان خرماست و در اطراف آن نیز مقبره‌هایی

ساخته شده است که محل دفن اموات است در سمت غربی صحن مزبور ایوانی وجود دارد که به ایوان امیرعلیشیر مشهور است می گویند این ایوان در گذشته نقاشیها و گچ کاریهای جالبی داشته و ارتفاع آن نیز زیادتر بوده ولی بعلمت زلزله یا عوامل دیگر مشرف به خرابی بوده است که از ارتفاع ایوان چند متری کاسته و سپس دیوار اطراف آن را با گچ طبق معمول محل سفید کرده اند و متأسفانه اگر هم این ایوان تاریخ و کتیبه‌ای داشته از بین رفته است و معلوم نیست این امیرعلیشیر همان علیشیر نوائی و زبردانش پرور سلطان حسین بایقرا است و یا دیگری می باشد .

پس از عبور از ایوان مزبور در ا هروی نسبتاً طولانی وجود دارد که در دو طرف آن ایوانها مقبره‌هاست بعضی از سنگ قبرها دارای تاریخ‌های قدیمی است از آن جمله در یکی از این مقبره‌ها سنگ نسبتاً بزرگی از نوع سنگ هرکاره مشهد وجود دارد که قریب دو متر طول آن است و نیم متر نیز برجستگی دارد و این سنگ قبر بنام خواجه شمس الدین حسین شاه می باشد که در سال ۸۰۰ هجری وفات یافته و در روی آن اشعاری حک شده است که از جمله این رباعی از امیرشاهی سبزوار است:

در ماتم تو دهر بسی شیون کرد  
لاله همه خون دیده در دامن کرد  
گل جیب قهای ارغوانی بدید  
قمری نمند سیاه در گردن کرد  
و نیز در پائین همان سنگ غزلی از حافظ حک شده است که مطلع آن این است:

بلبلی خون جگر خورد و گلی حاصل کرد

در مورد اینکه این شخص که بوده و سنگی بدان بزرگی را که در آن حدود از آن نوع سنگ وجود ندارد چگونه و از کجا به طبس حمل کرده اند اطلاعی در دست نیست در مقابل مقبره مزبور ساختمان دیگری است که به چهلچراغ مشهور است و مقبره عماد الملك و میرزا ابوالقاسم خان و سردار مکرم که بترتیب در طبس حکومت کرده اند در عمارت مشهور به چهلچراغ می باشد .

در مقابل در چهلچراغ در سمت جنوب در ورودی حرم قرار دارد برای ورود به حرم نیز از محوطه‌ای باید عبور کنیم که بمساحت  $۱۰/۳۰ \times ۱۲/۴۰$  متر می باشد و بر بالای آن گنبدی با ارتفاع ۱۵ متر قرار دارد سپس وارد محوطه‌ای می شویم بشکل مستطیل که  $۱۰/۹۰$  متر طول و  $۴/۷۰$  متر عرض دارد این سالن بنام دارالحفاظ نامیده می شود بر دیوار دارالحفاظ صلوات دوازده امام با عنوان صل یارب علی شمس الضحی نوشته شده و در بالای آن گچ بریهای ظریفی دارد که قابل ملاحظه است .

پس از عبور از دارالحفاظ وارد حرم می شویم صحن حرم بصورت مربعی است بطول تقریبی ۸ متر که ضریح و مرقد در وسط آن قرار دارد و بر بالای آن گنبدی است که ارتفاع

آن حدود ۱۲ متر است و بر سقف آن قندیلی آویزان است گنبد از خارج با ساروج پوشیده شده و کاشی کاری ندارد ولی دیوارهای داخلی حرم تازیر گنبد و قبل از کتیبه نقاشیهای جالبی دارد این نقاشیها در یک قسمت که بیشتر از رنگ آبی استفاده شده است شامل مناظر گوناگونی از شکار گاه و مجلس نشاط می باشد و در قسمت دیگر که بیشتر از رنگ قرمز استفاده شده است گلهای گوناگونی را نشان می دهد و نقاشی همین نقشها موجب شده است که امامزاده جزء آثار باستانی به ثبت برسد در بالای دیواره حرم در چهار طرف کتیبه ای با خط نسخ نگارش یافته است که متأسفانه چون نگارنده یادداشت نکرده ام جز قسمتهائی را که مربوط به تاریخ بناس است بخاطر ندارم ولی آقای سید محمد حقی ملقب به نقیب که از خدام قدیمی امامزاده است قسمتی از آن را به شرح زیر نقل می کند :

### بسم الله الرحمن الرحيم

لا شاتر؟ هذا النبأ العالی الذی تضمن اعظم اعظم اولیاء الله تعالی واصفیائه سلالة عتره الائمة الطاهره خلاصة السادات الزکیه البرره الرضی الزکی علیه السلام الله العلی اعلا و صلوة منه سبحانه و تعالی راجیاً الی عنایت الله و رعایتیه الذی تقرب کرمه و شکر نعمه علی هذ القباء و الروضه ، و الباب و تول بتأکید بنیانها و تأسیس ارکانها زین الملة و الدولة و الدین شیخ علی و فقه الله علی اعانه الا نامل و حشره مع جمیع الانبیاء و الرسل و الاصدقاء و الاوصیاء و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کننا لنهتدی لولا ان هدانا الله فی جمادی الثانی عام اربع و تسعین و اربعمائه من هجرة النبوی هکذا وجدته و قرأته و کتبه الراجی الی التوفیق . . . (غیر خوانا) العبد العزیز الثانی . . . (غیر خوانا) و استسعد بتعمیر هذه البقعه الشریفه و الروضة المنیفه الامیر الاعظم المولی الافخم تاج الخوانین العظام افتخار الاعراب و الاعجام امیر محمد حسنخان ابن السعید امیر علمیردانخان و فقه الله تعالی فی شهر ربیع الثانی ۱۲۰۵ یفتح لهما باب النجاة

قسمت اخیر کتیبه با آنچه قبلاً ذکرش رفت از لحاظ خط تفاوت آشکاری دارد معذک بنظر می رسد که امامزاده قبلاً کتیبه ای داشته که بتاريخ ۴۹۴ نوشته شده است و سپس در زمان

میر حسنخان تعمیر شده و تمام کتیبه آن در همان زمان نوشته شده باشد و عبارت هکذا وجدته و قراته و کتیبه موید آن است در وسط ساختمان گنبد ضریحی چوبین بابعاد  $۱/۸۰ \times ۳/۵$  و ارتفاع  $۱/۵$  متر وجود دارد و در داخل ضریح صندوقی چوبین روی قبر گذاشته شده که تاریخ ۸۰۰ دارد و برگرد صندوق سوره هل اتی نقر شده است .

از ایوان سمت جنوبی امامزاده دری به صحن دیگری بازمی شود که بنام صحن نونا میده می شود و ظاهراً این صحن را در سالهای اخیر مرحوم میرزا غلامحسین متولی که تولیت موقوفات امام زاده راعهده دار بوده است بنا کرده و خالی از هر نوع تزئینی است و در اطراف آن نیز مقبره هائی وجود دارد ، که همگی در سالهای اخیر بنیاد شده است ، صحن نو بابعاد  $۲۴ \times ۲۳$  متر است و به رواق خاتون مشهور است تعمیرات امام زاده و حفظ بیوتات از محل درآمد موقوفاتی انجام می شود که تولیت آن به عهده آقایان متولی حتی است خدام امامزاده و فراشها نیز از این محل حقوقی دریافت می دارند و اداره اوقاف نیز بر آن نظارت دارد . درباره حالات و نسبت امامزاده اطلاع دقیقی در دست نیست و در کتیبه ای هم که ذکر آن رفت به ذکر سلاله ائمه الطاهره خلاصه السادات الزکیة البرره اکتفا شده است ولی چنانچه گذشت شخص مدفون در امامزاده بنام سلطان حسین بن موسی الکاظم مشهور است در باب این انتساب مردم به نامه ای استناد می کنند که منسوب به حضرت رضا علیه السلام است و در پایان این مقاله نگاشته می شود ولی بطوری که خوانندگان محترم مطالعه خواهند فرمود در نامه مزبور نیز (بقرض صحت و اصلت) تصریح به نسبت این شخص با حضرت نشده است و به ذکر فقد ولد من اولاد قریش من عتره النبی صلی الله علیه و آله اکتفا شده است در اینجا بی مناسبت نیست که در باب اصل این نامه نیز توضیحاتی داده شود مطلعین محلی مدعیند که اصل نامه در نزد مرحوم میرزا غلامحسین متولی که علاوه بر تولیت امام زاده از مردان فاضل طبس بوده و کتابخانه معتبری نیز داشته است مضبوط بوده که همواره آنرا در صندوقی مقل نزد خود حفظ می کرده است پس از مرگش یکی از دوستانش که بقصد شرکت در مراسم عزاداری متولی به طبس رفته آنرا ازورنه گرفته است تا به کتابخانه آستان قدس تسلیم کند ولی نه خصوصیات آن شخص در دست است و نه از نامه مزبور در کتابخانه آستانه اثری بدست آمده است ولی سواد مکتوب در نزد بسیاری از علاقه مندان موجود است نگارنده سواد آنرا در دیوان خطی میرزا علی منشی باشی متخلص به رشیدی مطالعه کرده است و او توضیح داده است که اصل آنرا در خدمت میرزا غلامحسین متولی زیارت کردم و پس از تقبیل سواد آنرا ضبط کردم سپس منشی باشی در قصیده مفصلی به مطلع:

دانی چرا طبس به لغت باغ گلشن است چون بر امام زاده آزاد مدفن است

به فارسی برگردانده است و این دیوان هم اکنون در دهشک در تصرف آقای رشیدی

نوه مرحوم منشی باشی است قرینه دیگری درباره نام امام زاده نوشته ای است از محمد بن علی شاه

قصاب طبسی و شرحی که دانشمند محترم آقای ایرج افشار در شماره ۱۸ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد مرقوم داشته اند، اشارتیه که تا اواسط قرن نهم می زیسته در یکی از رسالات خود آنجا که حدود خانقاه موقوفه خود را بیان می کند می نویسد (حدغری بی به مز ارم تیرك سلاله - الاثمه معروف است به بم علی) که در اینجا نیز عبارت سلاله الاثمه با آنچه در کتیبه ذکر شده یکسان است ولی نام بم علی که در رساله محمد بن علی شاه ذکر شده با آنچه در نامه حضرت رضا علیه السلام بنام (المسمی بالحسین) آمده است مغایرت دارد از این رو در باب نام امام زاده بامدارک موجود نمی توان نظر قاطعی ابراز کرد.

چنانکه گذشت میرزا علی منشی باشی نیز با استناد همین نامه امام زاده را به نام حسین بن موسی الکاظم نامیده .

یکی از شعرای محلی بنام ملا علی و متخلص به قنبر نیز در شعری که در مدح امام زاده سروده است چنین می گوید :

شهی که خلق خدا جمله در امان ویند	ملایک از شرف و جاه پاسبان ویند
سپهر و مهر و مه و عرش و فرش و لوح و قلم	طفیل ذات شریف و بلند شان ویند
زجن و انس و وحوش و طیور و خیل ملک	به سال و ماه و شب و روز میهمان ویند
امام زاده اعظم حسین بن موسی	که مهر و ماه و ماه بفرمان کنارخوان ویند
رسیده قنبر مفلس بیای بوشش و بس	ز زائران وی امروز میزبان ویند
خدای خیر دو دنیا به جمله شان بدهد	چنانکه جمله هوادار و همعنان ویند
ز واقف و متولی ز مالک و ساکن	که روز و شب پی تقبیل آستان ویند

در این شعر نیز از امام زاده بنام حسین بن موسی ذکر شده است اینک به ذکر نامه منسوب به حضرت رضا علیه السلام به نقل از دیوان خطی میرزا علی منشی باشی مبادرت می نماید: سواد مکتوب کتبه امام الاتقیاء علی ابن موسی الرضا علیهما التحیه و الثناء فی شأن اخیه الی حاکم طبس

بسم الله الرحمن الرحيم

من علی بن موسی بن جعفر الرضا الی عامر بن زروا مهر مرزبان الطبسیین سلام علیک فانی احمد الیک الله الذی لاله الا هو اسئلك ان تصلى علی محمد عبده ورسوله صلی الله علیه و آله و سلم الحمد لله الاحد الصمد القاهر فوق عباده القادر علی ما یشاء من امره الذی

بجیر من استجاره و یعیذ من استعاده ملك الملوك و رب الارباب ليس احد يسا بق الى نفسه ما قسم له ولا يصارف عنها جرى القلم به فاتقوا له فى السر والعلانية اما بعد فانه عرضت لنا من الامور والحاجه مالا اعتمد على احد بهذه الناحية دونك وانه فقد ولد من اولاد قريش من عتره النبي صلى الله عليه وآله قدورثنى حزنه المسمى بالحسين قدرا حق الحلم وكان من ابن اثني عشر سنه اسمر اللون فى بياض عينه اليمنى نقطة الحمراء فأتى الوجنتين سبطا الشعر طويل ساعداد اطول من سائر الناس منذأتى على فقده تسع سنين و قد بلغنا انه قصد الى هذه الناحيه بابى خراسان واقفا بهما فاسئلك ان تستعين باوليائك و تتولى اثر هذا المفقود فان وجدته فبين لى بعدما يصح عندك الصفة والحليه لاقف واسئلك تعاوده وبره و لطفه از احه علمته ان يرده الله المتولى نجره المعظم المتفرق و اكرم و اكتب الى بما تعرض لك بهذه الناحيه دقيقك و جليلك تجدنى عند ذلك موافقاً ان شاء الله تعالى واحفظ امر الله عزوجل و وصيته فى سورة النساء الكبرى ان الله يامركم ان تودوا الامانات الى اهلها و ان احكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل ان الله نعماً يعظكم به ان الله كان سميعاً بصيراً حتى ذكر بعد ذلك و اولى الامر منكم فان تنازعتم فى شىء فردوه الى الله و الرسول و السلام عليك و رحمة الله و بركاته و على جميع اوليائك المسلمين المستمعين المطيعين بطاعة الله و رسوله صلى الله عليه وآله و كتب ذلك فى شعبان سنة تسع و تسعين و مائة من الهجرة النبويه

و قد كتبته بخطى من مرضى نيسابور

سواد نامه‌ای که آنرا پیشوای آزادگان علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء در باره برادرش به حاکم طبس نوشته است

بنام خداوند بخشنده مهربان

از علی بن موسی بن جعفر الرضا به عامر بن زروا مهر مرزبان طبسین سلام بر تو ، من و تو خداوند را ستایش می کنیم که غیر از او خدائی نیست و از تو مسئلت می کنیم بر محمد صلی الله و علیه وآله وسلم بنده و پیامبرش درود بفرستی ، ستایش خدای یکتائی را سزااست که از همه جهانیان بی نیاز است و همه به او نیازمندند

آن خدای قاهری که بر تراز همه است و بر آنچه بخواهد و اراده کند تواناست خدائی که هر کس او را بخواند او را اجابت کند و آن کس که بدو پناه برد او را پناه دهد شاهان و پرورنده پرورش یافتگان است و هیچ موجودی بر وجود مقدسش مقدم نیست و هیچ چیزی جای گزین او نمی باشد از این روی قلم بر حمد و ثنایش در گردش است و باید که در نهان و آشکار از نافرمانی خدا پرهیزید . اما بعد کاری و نیازی برای ما پیش آمده است که در آن ناحیه جز بر تو بر هیچکس اعتماد ندارم و آن این است که پسری از اولاد قریش و از عترت پیغمبر صلی الله علیه و آله مفقود شده است که فقدانش موجب حزن و اندوه من گردیده است ( این فرزند ) به حسین موسوم است و نزدیک به سن بلوغ می باشد و در سن کودکان دوازده ساله است رنگ چهره اش گندم گون است و در سپیده چشم راستش نقطه قرمزی است گونه هایش برجسته است و موهایش صاف و نرم است بازوانش طویل و از بازوان سایر مردم بلندتر است از زمانی که مفقود شده است نه سال می گذرد آگاهی یافتم که او قصد آن ناحیه که دو دروازه خراسان است کرده و در آنجا ساکن است از تو می خواهم که بوسیله دوستانت ما را کمک و یاری نمائی و این گم شده داپی گیری کنی و چنانچه او را یافتی پس از آنکه صفات و مشخصاتش در نزد تو مسلم گشت مرا از جریان آگاه ساز و در این کار درنگ مکن و از تو خواستارم که با او غمخواری و نیکی و مهربانی کنی تا اینکه خداوندی که بر همه ولایت دارد او را به خانواده بزرگوارش که پریشان گشته است برگرداند و از راه کرم کارهای کوچک و بزرگی که در آن ناحیه برایت پیش می آید برایم بنویس که ان شاء الله تعالی مرا در انجام آن موفق خواهی یافت و فرمان و سفارش خدای عزوجل را که در سوره مبارکه نساء می فرماید حافظ باش که

« ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماً يعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً »

و بعد از آن فرموده است که : «... واولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فرددوه الی الله»  
 و سلام و رحمت خدا بر تو و جمیع دوستان مسلمانان که شنونده هستند و مطیع به طاعت خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله می باشند باد . این نامه در ماه شعبان سال ۱۹۹۹ از هجرت نبوی نوشته شد .